

Do Auditors Incorporate the Risks Related to Clients' Organization Capital into Pricing of Audit Services? Empirical Evidence from Business and Agency Risk Assessment

- Abolfazl Momeni Yanesari ^۱
- Abdolkhalegh Khonaka ^۲

Abstract

The literature finds that auditors charge higher fees for riskier clients. One reason for this is that auditors expend greater effort on riskier clients. However, it is unclear whether they incorporate the risks associated with high Organization capital into pricing of audit services. In this regard, the present study was conducted with the aim of investigating the association between organization capital and firms' audit fees. to do so, the research hypothesis was tested using the data of ۱۱۲ firms listed in Tehran Stocks Exchange during the time period ۲۰۱۸ - ۲۰۲۲, as well as multivariate linear regression analysis. the results of testing the hypothesis indicate that auditors will charge higher fees to client firms with high levels of organization capital due to the higher assessment of their business and agency risk.

Key Words: Organization Capital, Pricing of Audit Services, Business Risk, Agency Risk.

^۱ Assistant professor of Accounting, faculty of Humanities & Physical Education, Gonbad Kavous University, Gonbad, IRAN. corresponding author. E mail: a.momeni^{۸۳}@yahoo.com

^۲ Assistant professor of Accounting, faculty of Humanities & Physical Education, Gonbad Kavous University, Gonbad, IRAN.

آیا حساب‌رسان ریسک‌های مربوط به سرمایه‌سازمانی صاحبکار را در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی لحاظ می‌کنند؟ شواهد تجربی از برآورد ریسک کسب و کار و ریسک نمایندگی

▪ ابوالفضل مؤمنی یانسری^۱
▪ عبدالخالق خنکا^۲

چکیده

ادبیات حسابرسی نشان می‌دهد که حساب‌رسان برای صاحبکاران پرمخاطره‌تر نرخ‌های حق الزحمه حسابرسی بالاتری را مطالبه می‌کنند. یکی از دلایل این امر آن است که حساب‌رسان برای انجام عملیات حسابرسی مشتریان پر ریسک تلاش بیشتری را صرف می‌کنند. با این حال، مشخص نیست که آیا آنها ریسک‌های مربوط به شرکت‌هایی که از سرمایه‌سازمانی بالایی برخوردارند را در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی در نظر می‌گیرند یا خیر. در همین راستا مطالعه حاضر با هدف بررسی ارتباط بین سرمایه‌سازمانی و حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها صورت پذیرفت. برای این منظور با بهره‌گیری از داده‌های مربوط به ۱۱۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ و همچنین تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره به آزمون فرضیه پژوهش پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که حساب‌رسان به دلیل برآورد ریسک کسب و کار و ریسک نمایندگی بیشتر در شرکت‌های با سرمایه‌سازمانی بالا، حق الزحمه حسابرسی بیشتری را از این شرکت‌ها مطالبه می‌نمایند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌سازمانی، قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی، ریسک کسب و کار، ریسک نمایندگی.

۱ استادیار رشته حسابداری، دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی، دانشگاه گنبدکاووس، گنبد، ایران. نویسنده مسئول، ایمیل:

a.momeni83@yahoo.com

۲ استادیار رشته حسابداری، دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی، دانشگاه گنبدکاووس، گنبد، ایران.

پس از ارایه اثر بنیادین سیمونیک (۱۹۸۰) که در آن برای نخستین بار مدلی برای قیمت گذاری خدمات حسابرسی مطرح شده بود، بخش عمده ای از ادبیات حسابرسی، به مطالعه و شناسایی عوامل تعیین کننده حق الزحمه حسابرسی متمرکز گردید (حبیب و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعات قبلی در خصوص قیمت گذاری خدمات حسابرسی نشان دادند که حق الزحمه حسابرسی بیانگر تلاش و صرف ریسک حسابرس بوده و ازینرو می بایست با ریسک پذیرش کار حسابرسی صورت های مالی صاحبکار ارتباط مستقیمی داشته باشد (دفوند و ژانگ، ۲۰۱۴). حسابرسان به منظور کاهش احتمال ارایه نادرست و همچنین کاهش احتمال تقلب در صورت های مالی، تلاش خود را در حسابرسی صورت های مالی صاحبکارانی که پر ریسک تر هستند افزایش می دهند. (دیویس و همکاران، ۱۹۹۳؛ هیلجیست، ۱۹۹۹). حتی این امکان وجود دارد که حسابرسان برای جبران ریسک های بالاتر مربوط به کار صاحبکار، نرخ های صورتحساب خود را افزایش داده و درخواست صرف ریسک نمایند (بدارد و جانستون، ۲۰۰۴). بر اساس این استدلال ها، پژوهش های موجود نشان می دهند که مجموعه ای از ویژگی های شرکت، خصوصیات صنعت و عوامل محیطی (به عنوان مثال، سرمایه اجتماعی و پولشویی) بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر می گذارند (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸؛ ژا و چن، ۲۰۱۵). علیرغم وجود ادبیات قابل توجه در خصوص قیمت گذاری خدمات حسابرسی، اینکه سرمایه سازمانی، به عنوان دارایی های پنهان یک شرکت، به چه میزان بر حق الزحمه حسابرسی آن شرکت تأثیر می گذارد، تا حد زیادی مغفول مانده است.

سرمایه سازمانی یکی از عوامل مهم تولید در اقتصاد دانش بنیان امروزی می باشد (آیسفلت و پاپانیکیولاو، ۲۰۱۳). سرمایه سازمانی را می توان به عنوان انباشت دانش خاصی از شرکت تعریف کرد که از طریق مجموعه ای از طرح ها، فرایندها و رویه های کسب و کار مبتنی بر فناوری، باعث عملکرد عملیاتی، سرمایه گذاری و نوآوری برتر می گردد (لو و همکاران، ۲۰۰۹). شرکت هایی که از سطح بالاتری از سرمایه سازمانی برخوردارند، به تولید کارآمد، عملکرد کسب و کار باثبات و معاملات چابک دست یافته که این امر به نوع خود منجر به افزایش بهره وری (بلک و لینچ، ۲۰۰۵) و عملکرد بهتر شرکت می گردد (لو و همکاران، ۲۰۰۹). با این حال، آیسفلت و پاپانیکیولاو (۲۰۱۳) استدلال می کنند که شرکت های با سطح بالای سرمایه سازمانی در معرض دو ریسک اضافی قرار

دارند. اول آنکه، سرمایه سازمانی در استعدادهای کلیدی^۱ شرکت تجلی یافته و کارایی آن مختص شرکت است. از آنجا که بخشی از سرمایه سازمانی در استعدادهای کلیدی شرکت نمود می یابد لذا امکان جابجایی و انتقال آن در بین شرکت ها وجود دارد. از این رو، هم سهامداران و هم استعدادهای کلیدی بر جریان های نقدی ناشی از سرمایه سازمانی مدعی می باشند، تسهیم وجوه نقد حاصل از سرمایه سازمانی تا حد زیادی به گزینه ها و فرصت هایی که استعدادهای کلیدی در خارج از شرکت دارند بستگی دارد که این موضوع سبب می شود تا سهامداران در معرض ریسک بیشتری قرار گیرند. از آنجا که سهامداران دارای حق تمام و کمال بر جریانات نقدی نمی باشند، لذا سرمایه گذاری در شرکت های با سرمایه سازمانی بالا، ریسک جریانات نقدی را افزایش می دهد. دوم آنکه، استعدادهای کلیدی شرکت هایی که سرمایه سازمانی بالایی دارند ممکن است به منظور افزایش گزینه های بیرونی خود این انگیزه را داشته باشند که در سرمایه سازمانی شرکت سرمایه گذاری بیش از حد نمایند که این امر به نوبه خود باعث تشدید مسایل نمایندگی می شود. این انتظار وجود دارد که حسابرسان از شرکت های با سرمایه سازمانی بالاتر در مقایسه با شرکت های با سرمایه سازمانی پایین تر حق الزحمه حسابرسی بیشتری مطالبه نمایند. چنین استدلالی مبتنی بر لحاظ کردن ریسک کسب و کار و همچنین دیدگاه مسایل نمایندگی در قیمت گذاری خدمات حسابرسی می باشد. دیدگاه ریسک کسب و کار در قیمت گذاری حسابرسی، بیان می کند که حسابرسان در قیمت گذاری خدمات حسابرسی خود، ریسک کسب و کار صاحبکار را ارزیابی می کنند (بل و همکاران، ۲۰۰۱؛ لیون و ماهر، ۲۰۰۵). دلیل این امر آن است که حسابرسان در حسابرسی شرکت های دارای ریسک بالا، با احتمال طرح دعاوی حقوقی بالاتری روبرو می باشند (مورگان و استوکن، ۱۹۹۸). بنابراین، حسابرسان تمایل دارند حق الزحمه بیشتری را برای خدمت دهی خود به صاحبکاران با ریسک کسب و کار بالا مطالبه کنند. نتایج مطالعات قبلی حاکی از آن است که شرکت هایی که سرمایه سازمانی بالایی دارند، در معرض ریسک های بالاتر جریان نقدی و ریسک از دست دادن کارکنان کلیدی و اطلاعات بسیار ارزشمند به شرکت های رقیب قرار دارند (آی سفلت و پاپانیکولاو، ۲۰۱۳). در نتیجه، شرکت هایی که سرمایه سازمانی بالایی دارند با ریسک کسب و کار بیشتری مواجه هستند. از این رو این انتظار وجود دارد که حسابرسان این ریسک کسب و کار را در قیمت گذاری خدمات حسابرسی برای صاحبکاران با سرمایه سازمانی بالاتر لحاظ نمایند و حق الزحمه بیشتری را از آنها بخواهند.

۱. استعدادهای کلیدی، به آن دسته از کارکنان دارای توانایی های فنی و تخصصی بالا و غیرقابل جایگزین شرکت اشاره دارد که در مناصب حساس و کلیدی شرکت مشغول بوده و نقش مهمی در تحقق اهداف استراتژیک شرکت ایفا می کنند (لی، ۲۰۱۵).

از سوی دیگر استدلال نمایندگی برای قیمت گذاری حسابرسی مبتنی بر این ایده است که حق الزحمه حسابرسی گویای بخش مهمی از هزینه های نظارت می باشد (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶) و بنابراین، حسابرسان می بایست در قیمت گذاری خدمات حسابرسی، عوامل موثر بر هزینه های نمایندگی را در نظر بگیرند (گال و تسویی، ۲۰۰۱). مطالعات تجربی متعدد این استدلال را تصدیق نمودند (گریفین و همکاران، ۲۰۱۰؛ لونتیس و همکاران، ۲۰۱۱). شرکت هایی که سرمایه سازمانی بالایی دارند در معرض مسایل نمایندگی نسبتاً شدیدی هستند (حبیب و همکاران، ۲۰۲۰). این امر به این دلیل است که استعدادهای کلیدی (به عنوان مثال، مدیران) برای به حداکثر رساندن سهم خود از جریان های نقدی ناشی از سرمایه سازمانی و نیز بهبود گزینه های بیرونی خود انگیزه های زیاد برای سرمایه گذاری بیش از حد در سرمایه سازمانی دارند (آیسفلت و پاپانیکولاو، ۲۰۱۳). بنابراین، حسابرسان برای جبران مسایل نمایندگی ناشی از سرمایه سازمانی، حق الزحمه حسابرسی بالاتری را مطالبه می کنند.

مروری بر پژوهش های پیشین در داخل کشور نشان می دهد که علی رغم بررسی ارتباط بین ویژگی های مختلف شرکت و حق الزحمه حسابرسی، تاکنون مطالعه ای به بررسی ارتباط بین سرمایه سازمانی و حق الزحمه حسابرسی نپرداخته است. بنابراین در مطالعه حاضر در پی پاسخ به این پرسش هستیم که آیا در بازار سرمایه ایران، حسابرسان مستقل، به عنوان یک گروه مهمی از ذینفعان، ریسک جریان وجوه نقد و ریسک نمایندگی را در قیمت گذاری خدمات حسابرسی برای شرکت هایی که از سطح سرمایه سازمانی بالایی برخوردارند، لحاظ می کنند یا خیر؟ با توجه به خلا تحقیقاتی موجود در خصوص موضوع سرمایه سازمانی در بازار سرمایه ایران، نتایج این پژوهش می تواند ضمن افزودن به ادبیات در حال ظهور در مورد سرمایه سازمانی در کشور، آثار این دارایی نامشهود بر یکی از تصمیمات مهم بازار حسابرسی یعنی قیمت گذاری خدمات حسابرسی را روشن نماید. دستاورد مهم دیگر مطالعه حاضر می تواند بسط ادبیات حق الزحمه حسابرسی باشد. در نهایت روشن شدن نتایج پژوهش حاضر می تواند به موسسه های حسابرسی کمک نماید که آیا عامل سرمایه سازمانی را در مدل های قیمت گذاری خود لحاظ نمایند یا خیر؟

این پژوهش با طرح مبانی نظری و پیشینه پژوهش های مرتبط با موضوع ادامه یافته و سپس فرضیه برگرفته از مساله و مبانی نظری پژوهش مطرح می گردد. در ادامه، روش شناسی مطالعه حاضر تبیین شده و در انتها نیز به تشریح نتایج آزمون فرضیه، نتیجه گیری و پیشنهادات پرداخته می شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

حسابرسی توسط حسابرسان حرفه ای مستقل، می تواند نقش عمده ای در بهبود کیفیت اطلاعات مالی ایفا کند. اما حسابرسان زمانی می توانند این نقش را به خوبی اجرا کنند که خدمات حسابرسی ارائه شده توسط آنها باکیفیت باشد (فرانسیس، ۲۰۰۴). به زعم دی آنجلو (۱۹۸۱) حسابرسان برای این که بتوانند خدمات باکیفیت ارائه بدهند در ابتدا باید بتوانند تحریفات بااهمیت در صورت های مالی صاحبکار را کشف کنند (صلاحیت و تلاش حسابرسی داشته باشند) و سپس می بایست بتوانند تحریفات کشف شده بااهمیت را گزارش نمایند (استقلال داشته باشند) (دی فاند و ژنگ، ۲۰۱۴). علی رغم اینکه عوامل متعددی بر کیفیت حسابرسی اثرگذارند مطابق تعریف دی آنجلو (۱۹۸۱)، حسابرسان باید برای ارائه خدمات باکیفیت حق الزحمه مناسبی دریافت کنند تا بتوانند بودجه کافی (تلاش حسابرسی مناسب) برای کار حسابرسی اختصاص دهند (یاری و همکاران، ۱۴۰۱).

در بازار رقابتی خدمات حسابرسی عموماً قیمت یا همان حق الزحمه خدمات حسابرسی توسط حسابرس تعیین می گردد و صاحبکار نیازمند خدمات حسابرسی با توجه به قیمت های موجود در بازار سعی می نماید تا مناسب ترین گزینه را انتخاب نماید. حسابرس پس از توافق بر سر قیمت با صاحب کار و در مقابل دریافت حق الزحمه، خدمات خود را ارائه می نماید. بنابراین، می توان حسابرس را همانند یک کارگزار دانست که به دنبال اهداف خود از مشارکت در سازمان می باشد، اما با این تفاوت که برخلاف کارگزاران دیگر که در جهت عملیات اصلی شرکت فعالیت می نمایند. حسابرس به منظور حفظ و ادامه عملکرد سازمان به عنوان مجموعه ای از قراردادهای به سازمان وارد می شود. در واقع حسابرسی، ایفا کننده نقشی حیاتی در تبیین عملکرد و پذیرش سازمان به عنوان مجموعه ای از قرار دادهای است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷). آنچه در فرآیند قیمت گذاری خدمات حسابرسی اهمیت دارد، این موضوع است که عوامل گوناگونی می تواند بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی اثرگذار باشد و حسابرس همواره باید با توجه به این عوامل اثرگذار بر خدمات حسابرسی، اقدام به قیمت گذاری نماید. (سیمونیک و استین، ۱۹۹۶).

پرات و اسپیس (۱۹۹۴) معتقدند که حق الزحمه حسابرسی ناشی از دو عامل بهای تمام شده حسابرسی و زیان مورد انتظار است. عامل بهای تمام شده، منبع اندازه گیری کمی از میزان تلاش حسابرس در طی فرآیند حسابرسی است درحالی که عامل زیان مورد انتظار، ارزش فعلی زیان های احتمالی آتی است که حسابرس در برابر آن مسئولیت خواهد داشت، که آن مربوط به ریسک های خاص صاحبکار می باشد (افسای و همکاران، ۱۴۰۱). حسابرسان برای جبران زیان مورد انتظار،

صرف ریسک مرتبط با دعاوی حقوقی محتمل را از صاحبکار مطالبه می کنند (سیمونیک و استین، ۱۹۹۶). از آنجا که محرک اصلی حق الزحمه خدمات حسابرسی تلاشی است که حسابرس بر مبنای ریسک موجود در هر کار حسابرسی جهت ارزیابی صورت های مالی و ارائه اظهارنظر حرفه ای خود صورت می دهد، بنابراین می توان عوامل اثرگذار بر ریسک و در نتیجه حجم فعالیت های حسابرسی در سطح هر کار حسابرسی را به عنوان عوامل اثرگذار بر حق الزحمه خدمات حسابرسی در آن کار دانست. به همین دلیل حسابرسان در عمل برای پذیرش صاحبکار در هر دوره چک لیست هایی را تهیه می نمایند که در آن عوامل اثرگذار بر ریسک و حجم کار حسابرسی در نظر گرفته شده و پس از کسب اطلاعات مورد نیاز از این چک لیست ها در فرآیند قیمت گذاری خدمات حسابرسی استفاده می کنند. در این میان یکی از عواملی که بازتاب ریسک کسب و کار و وجود مسایل نمایندگی در شرکت صاحبکار می باشد، سرمایه سازمانی شرکت است. سرمایه سازمانی دانشی است که جهت ترکیب مهارت های انسانی و سرمایه فیزیکی در درون سیستم ها با هدف تولید و ارائه محصولات رضایت بخش به کار می رود (اونسون و وستفال، ۱۹۹۵). لو و همکاران (۲۰۰۹) سرمایه سازمانی را به عنوان "انباشت مجموعه ای از فن آوری ها - شیوه ها، فرآیندها و طرح های کسب و کار" تعریف می کنند که تحقق "عملکرد عملیاتی، سرمایه گذاری و نوآوری برتر را در سازمان ممکن می کند". نمونه هایی از این فرآیندها و سیستم های کسب و کار شامل زنجیره تامین شرکت فروشگاه های زنجیره ای وال مارت^۱ می باشد که در آن خواندن بارکد محصولات خریداری شده در گیشه پرداخت مستقیماً به تامین کنندگان مخابره می شود، که این موضوع سیستم مدیریت موجودی را تسهیل می کند؛ و یا سیستم ساخت طبق سفارش شرکت دل^۲ که به مشتریان اجازه می دهد تا محصولات خود را طراحی کنند؛ و در نهایت فرهنگ شرکتی مردم محور، سیستم های اشتراک دانش، و سیستم های تولید اثربخش و خودکار در شرکت تویوتا؛ نمونه هایی از این فرآیندها و سیستم های تجاری می باشند. امروزه شرکت ها سرمایه گذاری قابل توجهی در سرمایه سازمانی انجام می دهند تا از این طریق بهره وری و کارایی خود را افزایش دهند.

مطالعات نشان می دهد که سرمایه سازمانی به یک جزء مهم و در حال رشد از سهام سرمایه تبدیل شده است به طوریکه تقریباً ۳۰ درصد از کل دارایی های نامشهود در ایالات متحده را تشکیل می دهد (کوراود و همکاران، ۲۰۰۹؛ آیسفلت و پاپانیکیولا، ۲۰۱۴). به طور کلی دو دیدگاه رایج در رابطه با سرمایه سازمانی در ادبیات وجود دارد. دیدگاه اول که مبتنی بر استدلال کارایی می باشد بر این موضوع تاکید دارد که دانش مشترک در سطح شرکت و فرهنگ از بالا به پایین، اهداف فرعی همه

^۱ . Wall-Mart

^۲ . Dell' Build to order system

افراد، تیم‌ها و بخش‌ها را به گونه ای استراتژیک یکپارچه کرده تا آنها را به یک مأموریت شرکتی^۱ که با دستاوردهای ایجاد ارزش افزوده همراه خواهد بود تبدیل نماید (اونسون و وستفال، ۱۹۹۵؛ کاپلان و نورتون، ۲۰۰۴). در این زمینه، لو و همکاران (۲۰۰۹) همچنین استدلال می کنند که انباشتی از شیوه های کسب و کار منحصر به فرد، فرایندها و طرح های ساختاری، همراه با فرهنگ، مزایای رقابتی پایداری را فراهم می کند، که به نوبه خود کارایی و بهره وری شرکت را بهبود می بخشد (لو و همکاران، ۲۰۰۹). اتکیسون و کهو (۲۰۰۵) نیز ضمن پشتیبانی از این دیدگاه نشان دادند که بازدهی حاصل از سرمایه سازمانی، بیش از یک سوم از بازده سرمایه فیزیکی را توضیح می دهد. شواهد مطالعات در سطح شرکت نشان می دهد که سرمایه سازمانی با عملکرد برتر عملیاتی و بازار سهام (لو و همکاران، ۲۰۰۹)، گذار موفقیت آمیز در مراحل چرخه عمر شرکت ها (حسن و چیونگ، ۲۰۱۸) و ایجاد ارزش در ادغام و تملک (لی و همکاران، ۲۰۱۸) در شرکت ها همراه خواهد بود. دیدگاه دوم در رابطه با سرمایه سازمانی دیدگاه نمایندگی است که توسط آیسفلت و پاپانیکولاو (۲۰۱۳) مطرح شده است. طبق این دیدگاه از آنجا که سرمایه سازمانی در استعدادهای کلیدی شرکت ها نمود می یابد، لذا هم سهامداران و هم استعدادهای کلیدی بر جریان نقدی ناشی از سرمایه سازمانی ادعاهایی دارند. مهم تر از همه اینکه، تقسیم جریان نقدی بین سهامداران و استعدادهای کلیدی به گزینه ها و فرصت هایی که استعدادهای کلیدی در خارج از شرکت دارند بستگی دارد که این موضوع سبب می شود تا سهامداران در معرض ریسک بیشتری قرار گیرند. بنابراین، سهامداران برای سرمایه گذاری در شرکت های با سرمایه سازمانی بالاتر در مقایسه با شرکت هایی که سرمایه فیزیکی بیشتری دارند، صرف ریسک بیشتری را مطالبه می نمایند. تاثیر سرمایه سازمانی بر حق الزحمه حسابرسی را می توان با تکیه بر دو استدلال توضیح داد. استدلال ریسک کسب و کار صاحبکار و استدلال مسایل نمایندگی (حبیب و همکاران، ۲۰۲۰). دیدگاه ریسک کسب و کار در قیمت گذاری حسابرسی بیان می کند که حسابرسان ریسک کسب و کار را در سطح صاحبکار ارزیابی کرده و هزینه های مورد انتظار خود از این ریسک ها را در قالب حق الزحمه حسابرسی بالاتر به صاحبکار اعلام می کنند (لیون و ماهر، ۲۰۰۵). در این رابطه، بل و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که با بالا رفتن ریسک کسب و کار صاحبکار، حق الزحمه هر ساعت کار حسابرسی و همچنین تعداد ساعات کار حسابرسی نیز افزایش می یابد. علاوه بر این، احتمال طرح دعوای حقوقی و و قضایی علیه حسابرسان زمانی که صاحبکاران آنها ریسک کسب و کار بالایی دارند افزایش می یابد (اومالی، ۱۹۹۳). مطالعات تجربی متعددی به پشتیبانی از دیدگاه ریسک کسب

^۱ . Corporate Mission

و کار در قیمت گذاری خدمات حسابرسی پرداخته اند (به عنوان مثال، بل و همکاران، ۲۰۰۱؛ لیون و ماهر، ۲۰۰۵؛ سیمونیک و استین، ۱۹۹۶).

همانطور که توضیح داده شد، شرکت های دارای سرمایه سازمانی بالا با سطوح بالای ریسک کسب و کار، به شکل ریسک جریان نقدی نسبتاً بالا، و ریسک از دست دادن کارکنان کلیدی و اطلاعات ارزشمند به شرکت های رقیب مواجه می باشند (آیسفلت و پاپانیکولائو، ۲۰۱۳). این انتظار وجود دارد که حسابرسان هر دو مؤلفه ریسک کسب و کار که توسط انجمن حسابداران رسمی آمریکا (۱۹۹۲) تعریف شده است را مدنظر قرار دهند: ریسک کسب و کار صاحبکار، که نشان دهنده بقای مستمر و رفاه صاحبکار است، و ریسک کسب و کار حسابر، که بیانگر هزینه های بالقوه دعوی حقوقی و سایر مخارج ناشی از ارتباط با صاحبکار، صرف نظر از موفقیت و یا شکست عملیات حسابرسی (حبیب و همکاران، ۲۰۲۰). بر اساس مطالب فوق می توان گفت با توجه به آنکه سرمایه سازمانی منجر به افزایش ریسک کسب و کار شرکت می شود لذا این انتظار وجود دارد که حسابرسان حق الزحمه بیشتری از این صاحبکاران مطالبه نمایند.

دیدگاه نمایندگی در قیمت گذاری خدمات حسابرسی بیان می کند که حق الزحمه حسابرسی نشان دهنده بخش مهمی از هزینه های نظارت می باشد (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶) از این رو حسابرسان برای جبران خطر اضافی و صرف تلاشی که جهت حصول اطمینان از همسویی رفتار مدیران با منافع مالکان نیاز است، هزینه حسابرسی بالاتری را دریافت می کنند (گریفین و همکاران، ۲۰۱۰؛ گال و تسویی، ۲۰۰۱). از آنجا که حاکمیت شرکتی بهتر ریسک کنترل و حجم آزمون های محتوا را کاهش می دهد، لذا شرکت های با کیفیت حاکمیت شرکتی بالاتر، حق الزحمه حسابرسی کمتری متحمل می شوند (گریفین و همکاران، ۲۰۱۰؛ تسویی و همکاران، ۲۰۰۱). نیکین و سالستروم (۲۰۰۴) با استفاده از داده های بین المللی، دریافتند که نظریه نمایندگی می تواند برای توضیح هزینه های حسابرسی در سطح بین المللی به کار گرفته شود. آیسفلت و پاپانیکولائو (۲۰۱۳) نشان دادند که شرکت های با سرمایه سازمانی بیشتر در معرض مسایل نمایندگی بیشتری قرار دارند، زیرا سرمایه سازمانی باعث ایجاد تضاد منافع بین استعداد های کلیدی و سهامداران می شود. با وجود آنکه استعدادهای کلیدی می توانند مبالغی معادل گزینه های بیرونی خود از شرکت دریافت کنند، اما سهامداران فقط می توانند بر جریان های نقدی باقیمانده حاصل از سرمایه سازمانی ادعایی داشته باشند، این در حالی است که تمام مخارج مرتبط با سرمایه گذاری در سرمایه سازمانی را سهامداران متحمل می شوند. این استعدادهای کلیدی با مستحکم تر شدن جایگاه خود ممکن است به منظور

افزایش سهم خود از جریان های نقدی و یا بهتر کردن گزینه های بیرونی خود، اقدام به سرمایه گذاری بیش از حد در سرمایه سازمانی نمایند. علاوه بر این، استعدادهای کلیدی شرکت های با سرمایه سازمانی بالا، ممکن است پروژه هایی را دنبال کنند تا اندازه شرکت را فراتر از سطح بهینه آن افزایش داده تا از این طریق حق الزحمه و اعتبار خود را افزایش دهند. با توجه به اینکه حسابرسان برای رسیدگی به فعالیت های مدیرانی که مسایل نمایندگی بیشتری در شرکت دارند نسبت به رسیدگی های معمول و منظم حساب ها به زمان بیشتری نیاز دارند لذا این انتظار وجود دارد که حسابرسان برای ارائه خدمات به شرکت های با سرمایه سازمانی بالاتر، حق الزحمه حسابرسی بیشتری مطالبه نمایند. در ادامه پیشینه پژوهش های مرتبط با موضوع پژوهش تشریح می گردد.

تاثیر سرمایه سازمانی بر حق الزحمه حسابرسی توسط حبیب و همکاران (۲۰۲۰) در فاصله زمانی سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفت نتایج پژوهش آنها نشان داد که شرکت هایی که از سرمایه سازمانی بالاتری برخوردارند حق الزحمه حسابرسی بیشتری به حسابرس پرداخت می کنند. آنها وجود چنین رابطه ای را به استدلالات مربوط به قیمت گذاری خدمات حسابرسی بر مبنای ریسک و مشکلات نمایندگی مربوط به صاحبکار نسبت دادند. مارویک همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که سرمایه سازمانی در شرکت ها با سطوح بالای نگهداشت وجه نقد همراه است. علاوه بر این، آنها دریافتند که اثر سرمایه سازمانی بر نگهداشت وجه نقد شرکت برای شرکت هایی که محدودیت تامین مالی و ریسک جریان نقدی را تجربه می کنند، قوی تر است. گیل و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که حسابرسان مستقل با ملاحظه مدل ریسک حسابرسی از صاحبکارانی که کیفیت کنترل داخلی پایین تری دارند حق الزحمه قابل توجه تری را مطالبه می کنند. شان و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه ای به بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی با اندازه موسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می دهد طبق فرضیه همگرایی منافع، سطوح مالکیت مدیریتی با منافع سهامداران سازگار است و رابطه بین مالکیت مدیریتی و اندازه موسسه حسابرسی و هزینه خدمات حسابرسی منفی است. برعکس، طبق فرضیه تثبیت جایگاه مدیران سطوح مالکیت مدیریتی خلاف منافع سهامداران باشد رابطه مثبت است. گان و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی تأثیر تراکم بازار حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداختند. نتیجه حاصل از این آزمون بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین تراکم بازار حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی و همچنین رابطه منفی و معنادار بین تراکم بازار حسابرسی و کیفیت حسابرسی می باشد. تی (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی رابطه قدرت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی با توجه به نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی و مالکیت خانوادگی پرداخت. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که بین قدرت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد به اینصورت که، هرچه قدرت

مدیرعامل بیشتر باشد ریسک حسابرسی و تلاش حسابرس کمتر است و موجب کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌گردد. همچنین ارتباطات سیاسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی در جهت مثبت تعدیل می‌کند. علاوه بر این، مالکیت خانوادگی رابطه بین قدرت مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی در جهت منفی تعدیل می‌کند. هافمن و همکاران (۲۰۱۸) تاثیر قابلیت فناوری اطلاعات بر حق الزحمه حسابرسی را در فاصله سال های ۲۰۰۴-۲۰۱۲ در میان شرکت های امریکایی مورد بررسی قرار دادند. یافته های آنها نشان داد که هزینه خدمات حسابرسی برای شرکت های با قابلیت های فناوری برتر به مراتب بیشتر می باشد.

علیرغم وجود مطالعات متعدد در خصوص عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی در داخل کشور، پژوهش های اندک و انگشت شماری موضوع سرمایه سازمانی را در بازار سرمایه ایران مورد بررسی قرار داده اند که در ادامه به مواردی از هر یک اشاره می شود. صدرايي و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که بین حق الزحمه حسابرسی سال قبل با حق الزحمه حسابرسی سال جاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب تعیین مدل برای الگوی برآورد حق الزحمه حسابرسی با داده های سال جاری، بالاتر از برآورد حق الزحمه حسابرسی براساس داده های سال قبل است، ولی این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. همچنین آنها دریافتند که مطابق دیدگاه قیمت گذاری دسته ای، حق الزحمه حسابرسی میان دوره ای رابطه منفی و معناداری با حق الزحمه پایان سال دارد. یافته های پژوهش بزرگ اصل و همکاران (۱۴۰۰) با استفاده از داده های ۶۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بیانگر تأثیر منفی و معناداری لحن گزارشگری مالی بر حق الزحمه حسابرسی می باشد. به بیانی، هر چقدر لحن گزارشگری مالی خوش بینانه تر باشد، حسابرسان مبلغ کمتری به عنوان حق الزحمه مطالبه می کنند. این نتایج نشان داد که لحن گزارشگری مالی معیارهایی را منعکس می کند که حسابرسان در ارزیابی ریسک حسابرسی آنها را مد نظر قرار می دهند. یافته های مطالعه مشعشی و همکاران (۱۴۰۰) از عدم وجود رابطه معنادار بین ضعف کنترل داخلی و حق الزحمه حسابرسی حکایت دارد. جوادی و همکاران (۱۳۹۸) در آزمون تجربی ارتباط بین سطح رقابت موسسات حسابرسی و حق الزحمه غیر نرمال حسابرسی را بر روی نمونه ای متشکل از ۱۲۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که بین سطح رقابت موسسات حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی غیر نرمال رابطه معنی داری وجود دارد به این صورت که با افزایش سطح رقابت موسسات حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی غیر نرمال نیز افزایش می یابد. مهربان پور و همکاران (۱۳۹۷) اثر سرمایه اجتماعی صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال های ۱۳۸۸-۱۳۹۵ بررسی کرده و دریافتند که

سرمایه اجتماعی نشئت گرفته از دین‌داری، جمع‌گرایی و رابطه با سایر شرکت‌ها، بر حق‌الزحمه حسابرسی اثر منفی و معناداری می‌گذارد. با وجود این، برای سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی، یعنی ارزش‌های خانوادگی و رابطه با دولت، اثر معناداری مشاهده نشد. اورادی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به تأثیر رقابت در بازار حسابرسی بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی با توجه به نقش تعدیلی اندازه بازار حسابرسی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که رقابت در بازار حسابرسی رابطه منفی و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد. علاوه بر این، اندازه بازار حسابرسی رابطه منفی رقابت در بازار حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی را تشدید می‌کند. سایر یافته‌ها نشان می‌دهد رقابت در بازار حسابرسی منجر به کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود و اندازه بازار حسابرسی تأثیری بر رابطه مذکور ندارد. نتایج مطالعه اکبری و احمدی (۱۴۰۰) حاکی از تأثیر مثبت و معناداری سرمایه سازمانی بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. تأثیر سرمایه سازمانی بر نگهداشت وجه نقد در پژوهش سجادی و قجریگی (۱۴۰۰) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بیانگر تأثیر مثبت و معنادار سرمایه سازمانی بر نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها بود. علی احمدی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی نقش سرمایه سازمانی بر چسبندگی هزینه شرکت دریافتند که افزایش سرمایه سازمانی موجب افزایش چسبندگی هزینه در هزینه‌های اداری، عمومی و فروش می‌شود.

۳- فرضیه پژوهش

با توجه به هدف مطالعه حاضر و بر پایه مبانی نظری ارایه شده می‌توان فرضیه پژوهش را به صورت زیر مطرح نمود:

فرضیه پژوهش: شرکت‌هایی که سرمایه سازمانی بالاتری دارند، حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌کنند.

۴- روش‌شناسی پژوهش

۴-۱- روش پژوهش

مطالعه حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی، از نظر رابطه بین متغیرها، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی و از منظر بعد زمانی داده‌ها، از نوع گذشته‌نگر و پس‌رویدادی می‌باشد. برای گردآوری داده‌های مورد استفاده در پژوهش از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و گزارش‌های منتشره در سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران سازمان بورس (سایت کدال) استفاده شده است. همچنین برای برآورد الگوهای پژوهش، از تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره بهره گرفته شده است.

۴-۲- جامعه آماری و نحوه انتخاب نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۵ ساله ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ می باشد. انتخاب نمونه آماری پژوهش با اعمال شرایط زیر انجام شده است: (۱) سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و طی سال‌های مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند؛ (۲) معاملات سهام شرکت در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره پژوهش، بیش از ۳ ماه متوقف نشده باشد؛ (۳) جزء شرکت‌های تخصصی سرمایه گذاری، بانکی و یا بیمه ای نباشند و (۴) داده‌های مورد نیاز برای آنها در بازه زمانی پژوهش در دسترس باشد. پس از اعمال محدودیت‌های فوق نهایتاً تعداد ۱۱۲ شرکت معادل ۵۶۰ شرکت-سال به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند.

۴-۳- نحوه سنجش متغیرهای پژوهش

متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیل‌کننده و کنترلی به شرح زیر اندازه‌گیری شده‌اند:

۴-۳-۱- متغیر وابسته: متغیر وابسته پژوهش حاضر حق الزحمه حسابرسی است که برای محاسبه آن از لگاریتم طبیعی مبلغ حق الزحمه حسابرسی که در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی منعکس می گردد استفاده می شود.

۴-۳-۲- متغیر مستقل: متغیر مستقل این پژوهش سرمایه سازمانی می باشد. که برای سنجش آن به پیروی از پیترز و تیلور (۲۰۱۷)، حبیب و همکاران (۲۰۲۰) و سجادی و قجریبگی (۱۴۰۰) از طریق رابطه زیر محاسبه می گردد:

$$OC_{i,t} = (1 - \delta \cdot C) \cdot OC_{i,t-1} + (SG\&A_{i,t} * \lambda_{i,t})$$

در رابطه فوق:

$SG\&A_{i,t}$: هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت i در سال t ; $\delta \cdot C$: نرخ استهلاک سرمایه سازمانی شرکت i در سال t که مطابق با ادبیات و مطالعات قبلی (اکبری و احمدی، ۱۴۰۰؛ سجادی و قجریبگی، ۱۴۰۰)، ۲۰ درصد در نظر گرفته می‌شود؛ $\lambda_{i,t}$: درصد مخارج اداری، عمومی و فروش شرکت که در سرمایه سازمانی سرمایه‌گذاری شده است و مطابق با مطالعات قبلی (اکبری و احمدی، ۱۴۰۰؛ سجادی و قجریبگی، ۱۴۰۰) معادل ۳۰ درصد در نظر گرفته می‌شود و $OC_{i,t-1}$:

سرمایه سازمانی شرکت i در سال قبل می‌باشد. به‌منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شده است.

شایان ذکر است که سرمایه سازمانی شرکت در سال پایه پژوهش نیز به‌صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$OC_{i,t0} = \frac{(SG\&A_{i,t} * \lambda_{\square})}{g + \delta_{\square}}$$

در این رابطه:

g : نرخ رشد جریان سرمایه سازمانی است که از طریق متوسط رشد واقعی هزینه‌های عمومی، اداری و فروش شرکت بدست می‌آید، تعریف سایر متغیرها نیز در قسمت قبل ارائه شده است. مبانی نظری مدل فوق بر این نکته استوار است که بخش عمده‌ای از هزینه‌های اداری، عمومی و فروش در نیروی انسانی و فناوری اطلاعات سرمایه‌گذاری می‌شود و همچنین بخشی از آن نیز در تبلیغات و مشاوران استراتژی در سازمان، سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین، هر ارزشی که از این هزینه‌ها بدست آید، خاص شرکت است که می‌تواند برای سازمان مزیت رقابتی به همراه داشته باشد.

۳-۳-۴- متغیرهای کنترلی: در این پژوهش برخی از مهم‌ترین متغیرهایی که بر مبنای مطالعات قبلی (حبیب و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژا و چن، ۲۰۱۵؛ لیون و ماهر، ۲۰۰۵) به عنوان عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی شناخته شده‌اند، به عنوان متغیرهای کنترلی مد نظر قرار می‌گیرند که عبارتند از، اندازه شرکت: معادل لگاریتم طبیعی فروش سالیانه شرکت؛ اهرم مالی: معادل نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت؛ نرخ بازده دارایی‌ها: معادل نسبت سود خالص به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت و فرصت‌های رشد: معادل نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت.

۴-۴- مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه پژوهش حاضر، با بکارگیری مدل اقتصادسنجی معرفی شده در مطالعه حبیب و همکاران (۲۰۲۰) مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد. که این مدل به قرار زیر است:

$$LNAF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OC_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن، $LNAF_{i,t}$: شاخص حق الزحمه حسابرسی شرکت i در سال t ; $OC_{i,t}$: شاخص سرمایه سازمانی شرکت i در سال t ; $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t ; $LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t ; $ROA_{i,t}$: نرخ بازده دارایی های شرکت i در سال t ; $MTB_{i,t}$: فرصت های رشد شرکت i در سال t و $\varepsilon_{i,t}$: جزء خطای مدل رگرسیون می باشد.

۵- یافته های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

خلاصه آمار توصیفی در پژوهش حاضر در جدول ۱ آمده است که شامل پارامترهای میانگین، میانه، حداکثر، حداقل و انحراف معیار می باشد. تعداد کل مشاهدات پژوهش حاضر ۵۶۰ شرکت - سال بوده که داده های مربوط به ۱۱۲ شرکت در دوره زمانی ۵ ساله بین سال های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ می باشد. بایستی اشاره شود که مقادیر به دست آمده برای شاخص های پراکندگی و مرکزی (به طور مشخص انحراف معیار عمده متغیرهای پژوهش) نشان می دهد داده ها از همگنی مناسبی برخوردار می باشند. باتوجه به جدول ۱ متغیر سرمایه سازمانی با میانگین ۰/۴۷۶۹ و میانه ۰/۴۲۱۵ دارای مقدار بیشینه ۰/۶۳۷۷ و کمینه ۰/۰۰۸۳ می باشد. اندازه شرکت ها که از طریق لگاریتم فروش سالیانه شرکت محاسبه می گردد، به طور متوسط ۱۴ است که بزرگ ترین و کوچک ترین شرکت ها به ترتیب دارای اندازه های ۱۹ و ۹ می باشند. میانگین متغیر اهرم مالی نشان می دهد که شرکت های نمونه به طور متوسط ۵۸ درصد از دارایی های خود را از محل بدهی ها تامین مالی می کنند. در مورد متغیر فرصت های رشد نیز می توان گفت که ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت های نمونه به طور متوسط پنج برابر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آن شرکت ها می باشد، این موضوع را شاید بتوان به رشد چشمگیر شاخص بورس در سال های ۹۷ و ۹۸ نسبت داد که باعث افزایش قابل توجه ارزش بازار سهام اکثر شرکت ها گردید. خلاصه یافته های آمار توصیفی برای متغیرهای پژوهش به شرح ذیل می باشد:

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
حق الزحمه حسابرسی	۲۰/۶۳۷۵	۱۹/۷۹۵۴	۲۱/۱۱۲۵	۱۹/۴۰۶۸	۰/۳۳۰۱
سرمایه سازمانی	۰/۴۷۶۹	۰/۴۲۱۵	۰/۶۳۷۷	۰/۰۰۸۳	۰/۸۴۷۵
اندازه شرکت	۱۴/۶۷۹۱	۱۳/۶۸۵۰	۱۹/۷۳۰۵	۹/۴۷۵۸	۱/۰۳۳۱
اهرم مالی	۰/۵۸۲۱	۰/۵۴۸۴	۱/۷۶۱۸	۰/۰۸۲۹	۰/۳۰۷۵

متغیر	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
نرخ بازده دارایی	۰/۱۴۲۶	۰/۱۱۰۷	۰/۶۰۳۵	-۰/۴۳۵۴	۰/۳۹۶۱
فرصت های رشد	۴/۳۹۱۵	۳/۸۵۵۴	۹/۸۴۶۷	-۲/۳۹۱۱	۲/۱۷۸۷

۵-۲- آزمون مانایی

پیش از تخمین مدل های رگرسیونی پژوهش، لازم است مانایی (ایستایی) تمامی متغیرهای مورد استفاده در تخمین ها آزمون گردد. نامانایی (نا ایستایی) متغیرها چه در سری زمانی و چه داده های تابلویی می تواند موجب استنباط های غلط آماری و در نتیجه رگرسیون کاذب شود. یک متغیر وقتی ماناست که میانگین، واریانس و ضریب خودهمبستگی آن در طول زمان ثابت باقی بماند. باتوجه به میزان سطح احتمال مندرج در جدول ۲، فرض صفر مبنی بر نامانای بودن متغیرهای پژوهش رد شده. ازاین رو، تمامی متغیرهای مورد استفاده فاقد ریشه واحد بوده و ایستا (مانا) می باشند.

جدول ۲- آزمون ایستایی متغیرهای پژوهش

دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)

متغیر	آماره آزمون	سطح احتمال
حق الزحمه حسابرسی	-۱۱/۳۰۱۲	۰/۰۰۰۰
سرمایه سازمانی	-۳۶/۵۷۲۶	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	-۲۴/۷۲۱۸	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۱۸/۴۵۲۲	۰/۰۰۰۰
نرخ بازده دارایی	-۱۰/۰۱۸۷	۰/۰۰۰۰
فرصت های رشد	-۲۷/۴۵۷۱	۰/۰۰۰۰

۵-۳- تجزیه و تحلیل مدل رگرسیونی پژوهش

در این بخش به آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل مدل رگرسیونی پرداخته می شود، در ابتدا لازم است تا جهت انتخاب الگوی رگرسیونی مناسب، اثرات مقطعی مدل با استفاده از

آزمون F لیمر و در صورت لزوم آزمون H هاسمن مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این آزمون ها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون چاو (F لیمر) و هاسمن

آزمون	آماره	سطح معناداری	نتیجه
F لیمر	۶/۸۷۱۱	۰/۰۰۰۰	پانلی (تابلویی)
H هاسمن	۳۸/۲۵۶۴	۰/۰۰۰۱	اثرات ثابت

همان گونه که ملاحظه می شود، مقدار سطح معناداری محاسبه شده از آزمون F لیمر برابر با صفر و کوچک تر از ۵ درصد است از این رو می بایست از روش داده های تابلویی استفاده نمود. سطح معناداری محاسبه شده از آزمون H هاسمن نیز برابر با صفر و کوچک تر از ۵ درصد است بنابراین، روش اثرات تصادفی ناسازگار بوده و باید از روش اثرات ثابت استفاده شود. نتایج برآورد مدل رگرسیونی پژوهش با استفاده از روش داده های پانلی (اثرات ثابت) در جدول ۴ گزارش شده است. لازم به ذکر است که پیش فرض های رگرسیون شامل ناهمسانی واریانس توزیع جزء خطا نیز بررسی شد و نتیجه این آزمون ها نشان داد که مشکل خاصی برای اجرای مدل های مورد نظر جهت آزمون فرضیه تحقیق وجود ندارد. نتایج برآورد آماره دوربین واتسون (۱/۹۳۲۵) در جهت تایید استقلال اجزای خطا نشان از برآورد این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. از آن جا که این مقدار نزدیک به مقدار تجربی ۲ قرار دارد می توان فرض استقلال اجزای خطا را پذیرفت. مقادیر شاخص آماره هم خطی که در جهت سنجش عدم همخطی میان متغیرهای مستقل تحقیق محاسبه می شود، کوچک تر از مقدار بحرانی ۱۰ به دست آمده اند که نشان از عدم وجود همخطی شدید میان متغیرهای مستقل تحقیق دارد و از این رو می توان پذیرفت که دقت ضرایب تاثیر متغیرهای مستقل در مدل تحقیق، تحت تاثیر روابط درونی متغیرهای مستقل قرار نگرفته است. نتایج به دست آمده برای سطح معناداری آزمون بروش-پاگان (۰/۲۹۴۶) که جهت بررسی عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین اجزای خطا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، بالاتر از ۰/۰۵ می باشد که بیانگر عدم رد فرضیه مخالف مبنی بر همسانی واریانس در بین اجزای خطای مدل می باشد. از این رو می توان پذیرفت که مفروضات اولیه رگرسیون برقرار بوده و نتایج مدل در تعیین اثرات قابل استناد است. در نهایت، بر اساس شاخص های نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F تحلیل واریانس کمتر از خطای نوع اول ۰/۰۵ به دست آمده و نشان از معناداری مدل رگرسیونی مورد تخمین دارد. همچنین، ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که متغیرهای مستقل

و کنترلی مدل حدوداً ۴۳ درصد از تغییرات متغیر حق الزحمه حسابرسی شرکت های نمونه پژوهش را تبیین می کنند.

جدول ۴- نتایج برآورد مدل رگرسیونی پژوهش

متغیر	ضریب	آماره تی	سطح معناداری	آماره هم خطی
C	۳/۰۲۵۹	۱۵/۷۹۵۸	۰/۰۰۰۰	-
OC	۰/۰۶۴۷	۲/۴۹۱۷	۰/۰۱۳۴	۱/۷۳۱۸
SIZE	۰/۱۱۲۴	۶/۵۸۲۹	۰/۰۰۰۰	۱/۴۵۵۲
LEV	۰/۰۰۸۴	۲/۸۸۶۳	۰/۰۲۲۷	۱/۸۶۴۹
ROA	-۰/۰۰۰۸	-۱/۳۷۸۱	۰/۱۷۱۵	۱/۵۲۳۰
MTB	۰/۰۷۷۳	۱/۴۱۱۰	۰/۱۵۸۶	۱/۴۹۷۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۲۶۳	آماره دوربین واتسون	۱/۹۳۲۵	
آماره F	۱۱/۲۴۶۱	سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	
آماره بروش-پاگان	۰/۹۷۰۱	سطح معناداری	۰/۲۹۴۶	

با توجه به اطلاعات جدول ۴، از آنجا که سطح معناداری متغیر مستقل سرمایه سازمانی پایین تر از خطای ۵ درصد یعنی ۰/۰۱۳۴ می باشد لذا فرضیه پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنادار بین سرمایه سازمانی و حق الزحمه حسابرسی مورد تایید قرار می گیرد. همچنین، با توجه به مثبت بودن ضریب برآورد شده برای متغیر سرمایه سازمانی، می توان گفت که با افزایش سرمایه سازمانی شرکت ها، حق الزحمه خدمات حسابرسی افزایش می یابد.

۶- بحث و نتیجه گیری

مطالعات قبلی به وضوح نشان داده اند که شرکت های با سطوح بالای سرمایه سازمانی در معرض مخاطرات کسب و کار و همچنین مسایل نمایندگی بیشتری قرار دارند (آیسفلت و پاپانیکولاو، ۲۰۱۳). با توجه به تاثیر ریسک های مرتبط با صاحبکار بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی، پژوهش حاضر کوشید تا ارتباط بین سرمایه سازمانی شرکت و حق الزحمه حسابرسی در بازار سرمایه ایران را مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش بر روی نمونه ای مشتمل بر ۱۱۲ شرکت طی دوره ۵ سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ نشان داد که بین سرمایه سازمانی و حق الزحمه حسابرسی

رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر حسابرسان مستقل از شرکت های با سرمایه سازمانی بالاتر در مقایسه با شرکت های با سرمایه سازمانی پایین تر حق الزحمه حسابرسی بیشتری مطالبه می نمایند. این یافته را می توان بر اساس دو استدلال ریسک کسب و کار و مسایل نمایندگی صاحبکار تفسیر نمود، از آنجا که شرکت های برخوردار از سرمایه سازمانی بالا با ریسک کسب و کار (مانند ریسک جریان نقدی، خطر از دست دادن کارکنان کلیدی و اطلاعات ارزشمند به شرکت های رقیب) و همچنین ریسک نمایندگی (تشدید تضاد منافع میان مدیران و سهامداران) بیشتری مواجه هستند که مستلزم صرف زمان و تلاش بیشتری بوده و نیز با افزایش ریسک طرح دعای حقوقی علیه حسابرس همراه است، لذا حسابرسان برای جبران صرف تلاش و پذیرش مخاطرات اضافی عملیات خود، هزینه حسابرسی بالاتری را برای ارایه خدمات حسابرسی دریافت می کنند. این نتیجه با یافته های حبیب و همکاران (۲۰۲۰) که در مطالعه خود به وجود رابطه مثبت و معنادار بین سرمایه سازمانی و حق الزحمه حسابرسی دست یافتند مطابقت دارد.

با عنایت به پیدایش شواهدی مبنی بر وجود ارتباط مثبت بین سرمایه سازمانی و حق الزحمه حسابرسی در این مطالعه، به موسسه های حسابرسی پیشنهاد می گردد تا عامل سرمایه سازمانی را در مدل های قیمت گذاری مدنظر قرار دهند. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه پژوهش به سرمایه گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می گردد تا در برآورد ریسک شرکت به عامل سرمایه سازمانی توجه بیشتری نمایند. همچنین به مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره شرکت ها توصیه می گردد تا با تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی، شرکت را در برابر ریسک های مرتبط با سرمایه سازمانی مصون سازی نموده و مخارج حسابرسی خود را کاهش دهند. با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر وجود ریسک های نمایندگی بیشتر در شرکت های با سرمایه سازمانی بالا، به مجمع عمومی صاحبان سهام این شرکت ها توصیه می گردد تا به منظور حمایت از حقوق سهامداران در هنگام انتخاب حسابرسان مستقل، عامل کیفیت موسسه های حسابرسی را مدنظر قرار داده و کیفیت حسابرسی بالاتر را فدای هزینه های حسابرسی پایین تر ننمایند.

برای انجام برخی پژوهش های همسو با این موضوع و هم چنین توسعه آن، پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی اثر تعاملی سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سرمایه سازمانی و حق الزحمه حسابرسی شرکت ها مورد بررسی قرار گیرد. همچنین مطالعه تأثیر سرمایه سازمانی بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام و بررسی نقش میانجی هزینه های نمایندگی در رابطه بین سرمایه سازمانی و حق الزحمه حسابرسی می تواند از دیگر موضوعات پیشنهادی برای پژوهش گران باشد.



۱. افسای، اکرم، تحریری، آرش، و گودرزوندچگینی، فهیمه. (۱۴۰۱). تاثیر محیط کار کارکنان بر حق الزحمه حسابرسی، تاخیر در ارائه گزارش حسابر و کیفیت حسابرسی. پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۱ (۲۰)، ۱۱۵-۱۴۹.
۲. اکبری، شیما و احمدی، محسن. (۱۴۰۰). تاثیر سرمایه سازمانی بر ارزش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴ (۵۴)، ۹۸-۱۱۰.
۳. اورادی، جواد، نصیرزاده، فرزانه، و حصارزاده، رضا. (۱۳۹۷). تاثیر رقابت در بازار حسابرسی بر حق الزحمه ی حسابرسی: نقش اندازه ی بازار حسابرسی. پیشرفت های حسابداری (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، ۱۰ (۱)، ۳۰-۳۱.
۴. بزرگ اصل، موسی، مرفوع، محمد، و ماهان نژاد، مهدی. (۱۴۰۰). تاثیر لحن گزارشگری مالی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۸ (۷۲)، ۷۹-۱۰۷.
۵. جواد، نوید، یعقوب نژاد، احمد، رهنمای رودپشتی، فریدون، و بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سطح رقابت موسسات حسابرسی و حق الزحمه غیر نرمال حسابرسی. نشریه دانش حسابرسی، ۱۹ (۷۶)، ۱۹۴-۱۶۹.
۶. رحیمی، محمد مهدی، برزگری خانقاه، جمال، و الهیاری، رضا. (۱۳۹۷). مروری بر مبانی نظری حق الزحمه حسابرسی. پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، ۴ (۱)، ۴۳-۵۰.
۷. سجادی، سحر، قجریگی، مهسا. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر سطح سرمایه سازمانی بر نگهداشت وجه نقد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵ (۱۷)، ۱۷-۳۰.
۸. صدرائی، غزل السادات، محمدرضایی، فخرالدین، غلامی جمکرانی، رضا، و فرجی، امید. (۱۴۰۱). حق الزحمه حسابرسی: شواهد اولیه از نقش برخی متغیرهای محذوف. دانش حسابداری، ۱۳ (۱)، ۹۷-۱۲۰.
۹. علی احمدی، سعید، سروش یار، افسانه، و دادخواه، مهدی. (۱۳۹۴). ارزیابی نقش سرمایه سازمانی بر چسبندگی هزینه شرکت. دانش حسابداری مالی، ۲ (۴)، ۱۳۷-۱۵۴.
۱۰. مشعشی سید محمد، مران جوری مهدی، و غلامی، مونا. (۱۴۰۰). ضعف کنترل داخلی و حق الزحمه حسابرسی: بررسی نقش تعدیل گر تخصص مالی کمیته حسابرسی. نشریه دانش حسابرسی، ۲۱ (۸۳)، ۲۴۵-۲۲۷.
۱۱. مهربان پور، محمدرضا، جندقی قمی، محمد، و رجب بیکی، محمدعلی. (۱۳۹۷). سرمایه اجتماعی و حق الزحمه حسابرسی. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۵ (۲)، ۲۶۹-۲۸۸.
۱۲. یاری، مهدی، محمدرضایی، فخرالدین، غلامی جمکرانی، رضا، و فرجی، امید. (۱۴۰۱). حق الزحمه حسابرسی: نقش آیین نامه تعیین حق الزحمه پایه خدمات حسابرسی. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۹ (۱)، ۱۴۶-۱۷۲.
۱۳. Atkeson, A., & Kehoe, P. J. (۲۰۰۵). Modeling and measuring organization capital. Journal of Political Economy, ۱۱۳(۵), ۱۰۲۶-۱۰۵۳.
۱۴. Bedard, J. C., & Johnstone, K. M. (۲۰۰۴). Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions. The Accounting Review, ۷۹(۲), ۲۷۷-۳۰۴. <https://doi.org/10.2308/accr-2004-79-2-277>.
۱۵. Bell, T. B., Landsman, W. R., & Shackelford, D. A. (۲۰۰۱). Auditors' perceived business risk and audit fees: Analysis and evidence. Journal of Accounting Research, ۳۹(۱), ۳۵-۴۳. <https://doi.org/10.1111/1475-679X.00002>.
۱۶. Black, S. E., & Lynch, L. M. (۲۰۰۵). Measuring organizational capital in the new economy. In Measuring capital in the new economy (pp. ۲۰۵-۲۳۶). Chicago, IL:

University of Chicago Press. <https://doi.org/10.7208/chicago/9780226116174.003.0007>

۱۷. Corrado, C., Hulten, C., & Sichel, D. (۲۰۰۹). Intangible capital and US economic growth. *Review of Income and Wealth*, ۵۵(۳), ۶۶۱-۶۸۵.
۱۸. Davis, L. R., Ricchiute, D. N., & Trompeter, G. (۱۹۹۳). Audit effort, audit fees, and the provision of nonaudit services to audit clients. *The Accounting Review*, ۶۸(۱), ۱۳۵-۱۵۰.
۱۹. DeFond, M., Zhang, J. (۲۰۱۴). A Review of Archival Auditing Research. *Journal of Accounting and Economics*, ۵۸(۲-۳), ۲۷۵-۳۲۶.
۲۰. Eisfeldt, A. L., & Papanikolaou, D. (۲۰۱۳). Organization capital and the cross-section of expected returns. *Journal of Finance*, ۶۸(۴), ۱۳۶۵-۱۴۰۶. <https://doi.org/10.1111/jofi.12034>
۲۱. Evenson, R. E., & Westphal, L. E. (۱۹۹۵). Technological change and technology strategy. *Handbook of Development Economics*, ۳, ۲۲۰۹-۲۲۹۹.
۲۲. Francis, J.R. (۲۰۰۴). What Do We Know About Audit Quality? *The British Accounting Review*, ۳۶, ۳۴۵-۳۶۸.
۲۳. Gil, B. & Choi, S. & Lamoreaux, P. & Lee, J. (۲۰۲۰). Auditors' Fee Premiums and Low Quality Internal Controls. *Contemporary Accounting Research*. ۱۰,۱۱۱۱/۱۹۱۱-۳۸۴۶,۱۲۶۰۲.
۲۴. Griffin, P. A., Lont, D. H., & Sun, Y. (۲۰۱۰). Agency problems and audit fees: Further tests of the free cash flow hypothesis. *Accounting and Finance*, ۵۰(۲), ۳۲۱-۳۵۰.
۲۵. Gul, F. A., & Tsui, J. S. (۲۰۰۱). Free cash flow, debt monitoring, and audit pricing: Further evidence on the role of director equity ownership. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, ۲۰(۲), ۷۱-۸۴. <https://doi.org/10.2308/aud.2001.20.2.71>
۲۶. Gunn, J. L., Kawada, B. S., Michas, P. N. (۲۰۱۹). Audit market concentration, audit fees, and audit quality: A cross-country analysis of complex audit clients. *Journal of Accounting and Public Policy* Volume ۳۸, Issue ۶. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2019.10.6693>.
۲۷. Habib, Ahsan., Hasan, Mostafa, & Al-Hadi, A. (۲۰۱۸). Money laundering and audit fees. *Accounting and Business Research*, ۴۸(۴), ۴۲۷-۴۵۹. <https://doi.org/10.1080/00014788.2017.1392842>
۲۸. Habib, Ahsan & Hasan, Mostafa & Sun, Xuan. (۲۰۲۰). Organization Capital and Audit Fees Around the World. *International Journal of Auditing*. ۱۰,۱۱۱۱/ijau.۱۲۱۹۷.
۲۹. Hasan, M. M., & Cheung, A. (۲۰۱۸). Organization capital and firm life cycle. *Journal of Corporate Finance*, ۴۸, ۵۵۶-۵۷۸.
۳۰. Hillegeist, S. A. (۱۹۹۹). Financial reporting and auditing under alternative damage apportionment rules. *The Accounting Review*, ۷۴(۳), ۳۴۷-۳۶۹. <https://doi.org/10.2308/accr.1999.74.3.347>
۳۱. Hoffman B.W., Sellers, R. D & Skomra J. (۲۰۱۸). The impact of client information technology capability on audit pricing. *International Journal of Accounting Information Systems*, ۲۹, ۵۹-۷۵.
۳۲. Jensen, M., and, W. Meckling. (۱۹۷۶). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, ۳: ۳۰۵-۳۶۰.
۳۳. Jha, A., & Chen, Y. (۲۰۱۵). Audit fees and social capital. *The Accounting Review*, ۹۰(۲), ۶۱۱-۶۳۹. <https://doi.org/10.2308/accr-50874>

۳۴. Kaplan, R. S., & Norton, D. P. (۲۰۰۴). Strategy maps: Converting intangible assets into tangible outcomes. Harvard Business School Press, Boston.
۳۵. Lev, B., Radhakrishnan, S., & Zhang, W. (۲۰۰۹). Organization Capital. *Abacus*, ۴۵(۳), ۲۷۵-۲۹۸. <https://doi.org/10.1111/j.1467-6281.2009.00289.x>
۳۶. Leventis, S., Weetman, P., & Caramanis, C. (۲۰۱۱). Agency costs and product market competition: The case of audit pricing in Greece. *The British Accounting Review*, ۴۳(۲), ۱۱۲-۱۱۹. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2011.02.005>
۳۷. Li, Jianzhong. (۲۰۱۵). Definition and Identification of Key Talent in Enterprises. *Proceedings of the ۲۰۱۵ International Conference on Economics, Management, Law and Education*.
۳۸. Li, K., Qiu, B., & Shen, R. (۲۰۱۸). Organization capital and mergers and acquisitions. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, ۵۲(۴), ۱۸۷۱-۱۹۰۹.
۳۹. Lyon, J. D., & Maher, M. W. (۲۰۰۵). The importance of business risk in setting audit fees: Evidence from cases of client misconduct. *Journal of Accounting Research*, ۴۳(۱), ۱۳۳-۱۵۱. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6799.2005.00165.x>
۴۰. Marwick, Alex & Hasan, Mostafa & Luo, Tianpei. (۲۰۲۰). Organization capital and corporate cash holdings. *International Review of Financial Analysis*. ۶۸. ۱۰,۱۰۱۶/j.irfa.۲۰۲۰,۱۰۱۴۵۸.
۴۱. Morgan, J., & Stocken, P. (۱۹۹۸). The effects of business risk on audit pricing. *Review of Accounting Studies*, ۳(۴), ۳۶۵-۳۸۵. <https://doi.org/10.1023/A:1009687101871>
۴۲. Nikkinen, J., & Sahlström, P. (۲۰۰۴). Does agency theory provide a general framework for audit pricing? *International Journal of Auditing*, ۸(۳), ۲۵۳-۲۶۲. <https://doi.org/10.1111/j.1099-1123.2004.00094.x>
۴۳. O'Malley, S. F. (۱۹۹۳). Legal liability is having a chilling effect on the auditor's role. *Accounting Horizons*, ۷(۲), ۸۲-۸۷.
۴۴. Peters, R. H., & Taylor, L. A. (۲۰۱۷). Intangible capital and the investment-q relation. *Journal of Financial Economics*, ۱۲۲(۲), ۲۵۱-۲۷۲.
۴۵. Shan, Y. G., & Troshani, I., Tarca, A. (۲۰۱۹). Managerial ownership, audit firm size, and audit fees: Australian evidence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, ۳۵, ۱۸-۳۶.
۴۶. Simunic, D.A., Stein, M.T. (۱۹۹۶). The impact of litigation risk on audit pricing: a review of the economics and the evidence. *Audit. J. Pract. Theory* ۱۵ (Suppl.), ۱۱۹-۱۳۴.
۴۷. Tee, C., M. (۲۰۱۹). CEO power and audit fees: Evidence from Malaysia. *International Journal of Auditing*, ۲۳(۳), ۳۶۵-۳۸۶.
۴۸. Tsui, J. S., Jaggi, B., & Gul, F. A. (۲۰۰۱). CEO domination, growth opportunities, and their impact on audit fees. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, ۱۶(۳), ۱۸۹-۲۰۸. <https://doi.org/10.1177/0148558X0101600303>